

کجا باشد دو رویان را میان عاشقان جایی
که با صد رو طمع دارد ز روز عشق فردایی

غزل شماره ۲۵۵۲ از دیوان شمس مولانا:

ناظر ذهن بودن با دیده نورافزا.
دیده نور افزا دیده ایی خالی از بیماری همانیدگی، خالی از قضاوت و مقاومت است. دیده ای که با نور شناسایی
خود دورویی و طمع ذهن را بر ملا می کند.
طمع ذهن در افتادن به زمان و از وضعیتهای و اتفاقات طلب زندگی و خوشبختی کردن تنها با دیده نور افزا شناسایی
و درمان می شود.
نظارت بر ذهن با دیده نور افزا مملو از شناسایی دورویی های ذهن است. دورویی هایی که رنجش و کینه، ترس
و حسادت، ایراد گیری و انتقاد و طعنه زدن را به همراه دارد.

نامه بگشادن چه دشوار است و صعب

کار مردان است نه طفلان کعب

-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۱۵۶۸

نامه بگشادن نظارت بر ذهن با دیده نور افزاست.
نامه بگشادن دیدن مقاومت و انقباض و ستیزه در خود، زیر بار رفتن و پذیرش و پرهیز کردن همراه با شکر و
صبر است که کار آسانی نیست.

دورویی و طمع ذهن سدی از مقاومت و ستیزه در برابر زندگی ایجاد می کند. سدی از مقاومت و قضاوت که دیده
انسان را از نورافزایی به کارافزایی تبدیل می کند.
کارافزایی ایجاد سد مقاومت و قضاوت در برابر زندگی است. کارافزایی انسان را از ذات و خاصیت اصلی خود که
فضاگشایی و جاودانگی است محروم می دارد و به بازی همانیدگی ها مشغول می سازد.
کارافزایی، آفل بودن فکرها، اجسام، وضعیتهای و اشخاص را از یاد انسان می برد و به دام دورویی و طمع می
اندازد.

نامه بگشادن چه دشوار است و صعب

کار مردان است نه طفلان کعب

-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۱۵۶۸

نامه بگشادن نظارت بر ذهن با دیده نورافزاست.

نوری که نقاب چهره ذهن و دورویی او را بر ملا و آشکار می سازد که با چنان رویی طمع به دست یافتن زندگی محال است.

حاشا که چنان سودا یابند بدین صفرا

هیپهای چنان رویی یابند به بی رویی

-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۶۲۰

سودای عشق مرکزی خالی از علت و بیماری همانیدگی است که با هیجانات منفی و طمع و دورویی ذهن دست نیافتنی است.

نامه بگشادن نظارت بر ذهن و شناسایی سد گذشته و آینده، شناسایی دورویی و طمع ذهن به کمک و راهنمایی بزرگان است.

راه های صعب پایان برده ایم

ره بر اهل خویش آسان کرده ایم

-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۲۹۴۷

والسلام

مریم از اورنج کانتی